



Comparative Study of Corruption by Fuzzy Method with Emphasis on Oil Rentier Governments

Extended Abstract

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Ali Saei. Ph.D.

2. Atefeh Douroudian *

1. Member of the Faculty of Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. student of Political Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Correspondence:*

Address: Department of Political Sociology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: atefeh.douroudian@gmail.com

Article History:

Received: 30.04.2022.

Accepted: 10.09.2022.

Introduction

The subject of this research is corruption, which has been studied in 176 countries in 1996 to 2019. The problem of this writing is that the scores of the control of corruption index in oil dependent countries are lower than non-oil dependent ones, and the variance of the control of corruption index among oil dependent countries is also significant. To explain these issues, two questions have been proposed: how the difference in corruption between oil dependent and non-oil dependent countries could be explained? How can the diversity of corruption be explained within the oil dependent countries?

Methodology & Conceptual framework

To answer this question, by adopting a unified approach, and using the theories of rentier state, neo-patrimonialism and neo-institutionalism, the research conceptual model was formulated. In response to the research questions and according to the requirements of the conceptual model, the research hypotheses were proposed in the form of four testable statements in the form of fuzzy logic. Fuzzy method was used to test research hypotheses in the field of data collection and assessment research hypotheses. Finally, the collected quantitative data was graded and the fuzzy membership was measured for every parameters. After measuring the fuzzy membership, the fuzzy relationship of these theoretical constructs was evaluated and tested in the form of individual and compound causal conditions. To theoretically explain the differences in corruption, the causal conditions of the rentier nature of the state, the quality of political institutions, the quality of economic institutions, the level of political freedom and the level of economic freedom have been used.

Results and discussion

The results of descriptive analysis show that rent dependency in the Caucasus and Central Asia, the Middle East, North Africa and South America is more significant in determining the variances of corruption and other parameters of the conceptual model. Also, the explanatory analysis of the results shows that rent incomes are more sufficient for systemic corruption and the low quality of political institutions is the most significant in determining the level of corruption among the 176 countries under investigation; the inefficiency of political institutions leads to systemic corruption in 90% of cases. Coverage index of Standard analysis shows the high importance of political institutions ineffectiveness for systemic corruption. So that 43% of corruption variances can be explained only through the inefficiency of political institutions. Another finding is the quality of economic institutions and economic freedoms do not control corruption alone. These factors together

or by combining with one of the efficient political institutions or political freedoms are able to control corruption.

Keywords: Corruption, Rentier State, Quality of Political Institutions, Quality of Economic Institutions, Political Freedom, Economic Freedom.

مطالعه تطبیقی فساد به روش فازی با تاکید بر

دولت‌های رانتیر نفتی

علی ساعی

عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

عاطفه درودیان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

موضوع این پژوهش فساد است که در ۱۷۶ کشور و بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۱۹۹۶ مطالعه شده است. مسئله پژوهش حاضر آن است که نمرات شاخص کنترل فساد در کشورهای نفتی نسبت به کشورهایی با اقتصادهای غیرنفتی پایین است و تفاوت‌پذیری نمرات کنترل فساد در میان کشورهای نفتی نیز قابل توجه است. برای تبیین این مسئله دو سوال طرح گردیده: تفاوت‌پذیری فساد میان کشورهای نفتی و غیرنفتی چگونه قابل تبیین است؟ تفاوت‌پذیری فساد در درون کشورهای نفتی چگونه قابل تبیین است؟ برای پاسخ به این پرسش، با اتخاذ رویکرد تلفیقی و با استفاده از تئوری‌های دولت رانتیر، نئوپاتریمونالیسم و نونهادگرایی مدل مفهومی پژوهش ارائه شد. در پاسخ به سوالات پژوهش و بر طبق الزامات مدل مفهومی فرضیات تحقیق در قالب چهار گزاره آزمون‌پذیر در قالب منطق فازی طرح گردید. برای آزمون فرضیات تحقیق در مقام گردآوری داده‌ها و داوری در باب فرضیه‌های تحقیق از روش فازی بهره گرفته شد. در نهایت داده‌های کمی گردآوری‌شده درجه‌بندی شد و تابع عضویت برای هر یک از سازه‌های پژوهش مشخص شد. بعد از تعیین تابع عضویت، رابطه فازی این سازه‌های تئوریک در قالب شروط علی منفرد و ترکیبی مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفت. برای تبیین تئوریک تفاوت‌پذیری فساد از شروط علی ماهیت رانتیر دولت و کیفیت نهادهای سیاسی، کیفیت نهادهای اقتصادی، میزان آزادی‌های سیاسی و میزان آزادی‌های اقتصادی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل توصیفی نشان می‌دهد وابستگی به رانت در قفقاز و

آسیای مرکزی، خاورمیانه، شمال آفریقا و آمریکای جنوبی اهمیت بیشتری در تعیین تغییرات فساد و دیگر اجزا مدل مفهومی دارد. همچنین تحلیل تبیینی یافته‌ها نشان می‌دهد درآمدهای رانتی شرطی بیشتر کافی برای فساد سیستمیک است و کیفیت پایین نهادهای سیاسی بیشترین اهمیت را در تعیین میزان فساد بین ۱۷۶ کشور مورد بررسی دارد؛ چنانچه ناکارآمدی نهادهای سیاسی در ۹۰ درصد موارد منجر به فساد سیستمیک می‌شود. تحلیل استاندارد از طریق شاخص پوشش یکه به خوبی اهمیت ناکارآمدی نهادهای سیاسی را برای فساد سیستمیک نشان می‌دهد. به طوری که ۴۳ درصد از تغییرات فساد تنها از طریق ناکارآمدی نهادهای سیاسی قابل توضیح است. نکته دیگر آنکه کیفیت نهادهای اقتصادی و آزادی‌های اقتصادی به تنهایی فساد را کنترل نمی‌کنند. این عوامل در کنار هم یا از طریق همراه شدن با یکی از شروط کارآمدی نهادهای سیاسی یا آزادی‌های سیاسی قادر به کنترل فساد هستند.

کلمات کلیدی: فساد، دولت رانتیر، کیفیت نهادهای سیاسی، کیفیت نهادهای اقتصادی، آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، برخورداری از درآمد نفتی، وابستگی به درآمد رانتی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

نویسنده مسئول: atefeh.douroudian@gmail.com

مقدمه

موضوع این پژوهش فساد است که بر سو استفاده از قدرت تفویض شده به حکومت توسط کارگزاران در جهت منافع و علائق شخصی دلالت دارد [۱، ۲، ۳، ۴]. در این مقاله مفهوم فساد از طریق شاخص کنترل فساد بانک جهانی اندازه‌گیری شده و مسئله پژوهش نیز بر پایه تفاوت‌پذیری نمرات این شاخص در کشورهای وابسته به درآمد نفتی و بین کشورهای نفتی و غیرنفتی به اثبات رسیده است.

عربستان سعودی به میزان (۰.۰۴-)، بالاتر از ارزش ۰.۲۴- به‌عنوان میانه نمرات کنترل فساد ۱۷۱ کشور در ۲۱ سال گذشته است [۵]. میزان فساد در درون اقتصادهای وابسته منابع معدنی / نفتی نیز به شدت متفاوت است؛ بوتساوانا، شیلی، آفریقای جنوبی و مالزی در مقایسه با کشورهای نظیر ونزوئلا و نیجریه کمتر فاسد هستند. مسئله بعدی تنوع میزان فساد در درون اقتصادهای غیررانتیر است. تایلند و فیلیپین به‌عنوان مثال از تایوان فساد بیشتری دارند. نرخ تغییرات فساد در درون تمام گروه‌های اقتصادی چه رانتیر و چه غیررانتیر نیز طی زمان متفاوت است. برای مثال در درون کشورهای وابسته به نفت، ونزوئلا در طی زمان بدتر شده حال آنکه در برخی کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس شرایط بهبود یافته است.

براساس شواهد تجربی ارائه شده می‌توان گفت، نمرات شاخص کنترل فساد کشورهای نفتی نسبت به کشورهای با اقتصادهای غیرنفتی پایین است و تفاوت‌پذیری نمرات کنترل فساد در میان کشورهای نفتی نیز قابل توجه است. این شواهد دلالت بر پرابلماتیک بودن وضعیت توزیع فساد میان کشورهای نفتی و غیرنفتی و در درون کشورهای نفتی دارد. حال براساس این مسئله می‌توان این دو سوال را ارائه کرد که:

تفاوت‌پذیری فساد میان کشورهای نفتی و غیرنفتی چگونه قابل تبیین است؟

تفاوت‌پذیری فساد در درون کشورهای نفتی چگونه قابل تبیین است؟

ادبیات تجربی و نظری

مدعای تبیینی پژوهش حاضر آن است که ارزش شاخص کنترل فساد میان کشورهای نفتی و غیرنفتی وضعیت پرابلماتیک دارد. شواهد نشان می‌دهد میانگین نمرات کنترل فساد برای کشورهای نفتی و غیرنفتی به ترتیب برابر با ۰.۶۸- و ۰.۱۱- است. به این معنا میانگین نمرات کنترل فساد کشورهای نفتی بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۱۹۹۶ به میزان ۰.۷۷۸ پایین‌تر از کشورهای غیرنفتی است. این نتیجه به معنای شدت بیشتر فساد در گروه کشورهای وابسته به نفت است. شواهد نیز نشان می‌دهد که کمینه نمرات کنترل فساد متعلق به گینه اکوتوریال است که یک کشور وابسته به منابع نفتی شناخته می‌شود. همچنین تحلیل نمرات فازی نشان می‌دهد درجه عضویت ۸۱.۵ درصد از کشورهای وابسته به درآمد نفتی در مجموعه فساد، بالاتر از نقطه گذار است، درحالی‌که این میزان برای کشورهای غیرنفتی برابر با ۵۵ درصد است. به این معنا احتمال کمتری وجود دارد که کشورهایی با درجه عضویت بالا در مجموعه وابستگی به رانت نفتی، در کنترل فساد موفق عمل کنند و در مجموعه کشورهای فاسد نمراتی پایین‌تر از نقطه گذار به دست آورند.

از طرفی واریانس نمرات شاخص کنترل فساد طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ در کشورهای نفتی به میزان قابل توجهی بالاتر از واریانس نمرات این شاخص برای ۱۷۱ کشور در همین دوره زمانی است. علاوه بر این میانگین شاخص کنترل فساد در برخی از کشورهای وابسته به درآمد نفتی شامل امارات متحده عربی (۰.۹۰-)، قطر (۰.۸۲-)، برونی دارالسلام (۰.۵۱-)، عمان (۰.۴۲-)، کویت (۰.۲۷-) و بحرین (۰.۲۷-) طی ۲۱ سال گذشته بالاتر از میانگین جهانی این شاخص است که ارزشی برابر ۰.۰۱- را نشان می‌دهد. نمرات کنترل فساد تمامی این کشورها به علاوه

دریافتند که در شرایط بروز شوک‌های تجاری (افزایش رانت خارجی) اقتصادهایی با گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند و نهادهای عمومی ضعیف به شدت نسبت به حرص و طمع کارگزاران آسیب‌پذیرند. این درحالیست که ورود این درآمدها به اقتصادهایی که جریان باز توزیع منابع از سوی گروه‌های قدرتمند تعیین نمی‌شود (به دلیل فقدان گروه‌های قدرتمند یا کیفیت بالای نهادهای حکمرانی) باعث پیشرفت چشمگیر در رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری شده است [۲۶].

همچنین آدس و دی‌تلا [۹] با تحلیل میانگین شاخص‌های ۵۱ کشور بین سال‌های ۸۰ تا ۸۳ و همچنین داده‌هایی از یک نمونه محدودتر شامل ۳۱ کشور برای سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، تاثیر انواع رانت (دسترسی دولت‌ها به رانت منابع و انواع انحصار در بازار) را بر میزان فساد مطالعه کرده‌اند. طبق یافته‌های آنان رابطه میان برخورداری از رانت منابع و فساد برای دهه ۸۰ (با نمونه‌ای متشکل از ۵۱ کشور) در سطح ۶ درصد معنادار بوده است. به‌طوریکه با افزایش یک نمره در متغیر صادرات سوخت و مواد معدنی، ۰.۳۷ واحد افزایش در متغیر فساد رخ می‌دهد. نوع و شدت این رابطه برای دهه ۹۰ (میانگین دو سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ و با نمونه‌ای کوچکتر متشکل از ۳۱ کشور) مجدداً محاسبه شد. نتایج به‌دست‌آمده از کشورهای منتخب در دهه ۹۰ میلادی، بر نبود رابطه معنادار میان رانت منابع و فساد دلالت دارد. در مجموع آنان ادعا می‌کنند حتی پس از کنترل تاثیرات کشور و زمان، دور نگه‌داشتن بنگاه‌های اقتصادی داخل از رقابت با شرکت‌های خارجی، از باقی عوامل ایجادکننده رانت از جمله دسترسی به رانت منابع، اهمیت بیشتری در تشدید فساد دارد. تروویک [۲۷] در پژوهش خود نشان می‌دهد که ورود درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، منجر به افزایش میزان

در اینجا ابتدا به برخی مطالعات تجربی با موضوع فساد و درآمدهای نفتی اشاره شده است. از آنجایی که فساد در دو حوزه علم اقتصاد و علوم سیاسی موضوع مطالعه بوده است، ادبیات نظری مرتبط با موضوع پژوهش از دو حوزه نفرین اقتصادی منابع و نفرین سیاسی منابع جمع‌آوری شده‌اند. پژوهش‌های شلیفر و ویشنی [۶]، لین و تورنل [۷، ۸]، آدس و دی‌تلا [۹]، تروویک [۱۰، ۱۱] و دیکن و رود [۱۲] را باید بیشتر متعلق به رویکرد نفرین منابع اقتصادی دانست. کارهای افسانه نجم‌آبادی [۱۳]، کارل [۱۴]، کسلی و میشلز [۱۵]، بیوکس [۱۶]، رابینسون [۱۷]، هرب [۱۸]، دانینگ [۱۹]، عاصم اوغلو و همکاران [۲۰]، کولیر و هافلر [۲۱]، باتاچاریا و هودلر [۲۲]، رابینسون، تروویک و وردیه [۲۳]، کلسناد و ویگ [۲۴]، نورث و همکاران [۲۵] نیز حوزه نفرین سیاسی و نهادی منابع را نمایندگی می‌کنند.

پژوهش‌های شلیفر و ویشنی [۶] و لین و تورنل [۷، ۸، ۲۶] از جمله نخستین تلاش‌های تجربی برای تبیین رابطه میان درآمدهای نفتی و فساد در حوزه نفرین منابع اقتصادی است. از نظر شلیفر و ویشنی رانت منابع می‌تواند در تخصیص و توزیع منابع، فساد و تبانی ایجاد کند. گرچه هماهنگی میان مقامات دولتی برای به حداکثر رساندن رشوه می‌تواند ایجاد رانت‌های مخرب را محدود کرده و از هزینه‌های رانت‌جویی بکاهد [۶].

لین و تورنل نیز کار خود را با این مسئله آغاز می‌کنند که رشد اقتصادی در کشورهای برخوردار از منابع، پایین است و این کشورها در استفاده از رانت منابع موفق نبوده‌اند. آنان برای اثبات مدعای خود، تجربه سه کشور ترینیدا و توباگو، ونزوئلا و نیجریه را در جریان نوسان‌های قیمت نفت در دهه هفتاد و سال‌های نخست دهه هشتاد مورد بحث قرار داده‌اند. آنان پس از کنترل درآمد اولیه، بی‌ثباتی سیاسی و ثابت نگه‌داشتن عوامل زمینه‌ای

رانتی، توسل به فعالیت‌های رانت‌جویانه است و نه کنش جمعی و سیاسی در راستای تغییر ساختارهای نابرابر و تبعیض‌آمیز توزیعی. کلتاد و ویگ [۲۴] با استناد به همین مکانیزم علی نتیجه می‌گیرند که در کشورهای وابسته به درآمدهای ناشی از رانت هرگونه مطالبه‌ای از سوی جامعه مدنی از جمله خواست پاسخگویی و انتشار شفاف اطلاعات بسیار ضعیف و بی‌اثر است و شکل‌گیری نهادهایی در قالب دیده‌بان‌های شفافیت و مبارزه با فساد امکان‌پذیر نیست.

آنچنان که کارل [۱۴] اشاره می‌کند منازعات سیاسی (در دولت‌های نفتی) همیشه پیرامون توزیع رانت‌ها بوده است. در این گروه از کشورها هرگز دیده نمی‌شود که مواردی نظیر میزان و کیفیت درهم‌تنیدگی اقتصاد و دولت یا استراتژی‌های جایگزین توسعه به موضوع منازعه بدل شود. ریچارد اوتی [۲۸] نیز بحث مشابهی را مطرح می‌کنند؛ اینکه رانت ناشی از منابع طبیعی، به ویژه نوع متمرکز آن، تمام رقابت‌های سیاسی را به سوی خود جلب می‌کند و رژیم‌هایی غارتگر یا وابسته‌ای را به وجود می‌آورد که برای ماندن در قدرت، رانت منابع را میان گروه‌های کوچکی از مدعیان و حامیانشان توزیع می‌کنند. از نظر بیوکس [۱۶] درآمدهای نفتی انگیزه‌هایی برای نخبگان ایجاد می‌کند که قدرت را قبضه کنند تا کنترل‌شان بر منابع رانتی را از دست ندهند. رایبسون [۱۷]، هرب [۱۸] و دانینگ [۱۹] نیز ثروت منابع را موجد انگیزه‌های قدرتمندی برای ایجاد دولت‌های غارتگر می‌دانند.

گروهی دیگر از مطالعات حوزه نفرین سیاسی منابع، بر توضیح رابطه چندسویه میان فساد و دموکراسی در کشورهای وابسته به رانت تمرکز دارند. از آن جمله باتاچاریا و هودلر [۲۲] نتیجه می‌گیرند که منابع طبیعی تنها در نظام‌های غیردموکراتیک که

فعالیت‌های غیرمولد و تعداد کارآفرینان و موسسات رانت‌جو از یک سو و کاهش تعداد کارآفرینان، فعالیت‌ها و موسسات مولد از سوی دیگر خواهد شد که بر توزیع ناکارآمد دلالت دارد. چراکه رانت منابع طبیعی عاملان اقتصادی را به پرداخت رشوه برای دسترسی به این منابع ترغیب می‌کند.

دیکن و رود [۱۲] نیز پدیده نفرین منابع طبیعی را به‌عنوان کاربستی از تئوری رانت‌جویی مطالعه کرده‌اند. از نظر آنان نفرین منابع اقتصادی نتیجه اتلاف منابع از طریق وارد کردن منابع مولد به درون مناقشه بر سر رانت است. در شرایط اتلاف کامل، تمام مزایای حاصل از منابع طبیعی با منابع هزینه‌شده در رقابت بر سر دسترسی به رانت منابع طبیعی، جبران می‌شود. در صورتی که مجموع اتلاف منابع و هزینه‌های رانت‌جویی بیش از کل رانت منابع باشد، پدیده نفرین منابع رخ خواهد داد. زیرا در این صورت ضرر اقتصادی ناشی از وجود منابع طبیعی از ارزشی که برای جامعه به وجود آورده است، بالاتر است.

افسانه نجم‌آبادی [۱۳] با تعبیر *سیاست‌زدایی از جامعه* تفسیر جالبی از ابعاد سیاسی نفرین منابع ارائه می‌دهد. *سیاست‌زدایی از جامعه* به این معناست که شیوه و الگوی توزیع درآمدهای ناشی از رانت (که عموماً از طریق شبکه‌های رانت‌جو و حامی‌گرا رخ می‌دهد) کمتر به موضوع گفتگو و کنش‌های جمعی در عرصه سیاست رسمی جوامع رانتیر بدل می‌شود؛ چراکه انگیزه‌های کافی برای ایجاد ائتلافی فراگیر به‌منظور تغییر نهادهای سیاسی از سوی افراد جامعه وجود ندارد. در چنین جامعه‌ای عموم شهروندان که سهم‌شان از منابع را کافی نمی‌دانند، دنبال کردن منافع فردی در درون همان چارچوب نابرابر را به کنش سیاسی و تلاش‌های جمعی برای تغییر مناسبات نابرابر ترجیح می‌دهند. به‌این ترتیب مهمترین شیوه تعدیل نابرابری‌ها در یک جامعه

نتیجه قدرت غیرمتمرکزتر شود، رشد، تخصیص بهینه منابع و تطبیق با درآمدهای باد آورده بهبود می‌یابد. در مقابل اگر گروه‌های ذی‌نفع از قدرت بالایی برخوردار باشند و فرآیند دموکراتیزاسیون به تثبیت و قدرت‌گیری هرچه بیشترشان کمک کند، فساد افزایش می‌یابد.

از دیگر علاقمندی‌های پژوهشگران حوزه نفرین سیاسی منابع، پرداختن به رابطه میان فساد و ثبات سیاسی در کشورهای رانتیر است. رابینسون، تورویک و وردیه [۲۳] ادعا می‌کنند اگر سیاستمداران به دلیل بی‌ثباتی سیاسی نتوانند خود را در آینده نیز در قدرت تصور کنند، منابع طبیعی را بیش‌ازحد استخراج می‌کنند و در مورد حجم منابع باقیمانده مطلقاً بی‌توجه‌اند. در این شرایط آنان بخش مهمی از درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی را در توسعه شبکه‌های حامی پیرو برای حفظ قدرت سیاسی‌شان صرف می‌کنند.

نورث [۲۵] دو استراتژی برای حفظ ثبات سیاسی در کشورهای برخوردار از منابع را با مطالعه دو کشور زامبیا و موزامبیک توصیف می‌کند؛ استراتژی‌هایی که در درازمدت موثر نیستند و حتی بقا رژیم را تهدید می‌کنند. در زامبیا فرهنگ سیاسی غالب خرید مخالفین و رقابای سیاسی را به‌عنوان الگوی حفظ قدرت و ایجاد ثبات سیاسی تشویق می‌کند. در موزامبیک اما شرایط کاملاً برعکس است. در این کشور خطر اصلی از نوعی فرهنگ سیاسی انحصارطلب ناشی می‌شود که مهمترین خصیصه آن مرزبندی‌های پررنگ میان خودی و غیرخودی است. در این فرهنگ سیاسی برخلاف آنچه در زامبیا رایج است، نفوذ سیاسی و منابع تنها در اختیار گروه خودی‌ها قرار می‌گیرد. در هر دو کشور فارغ از اینکه آیا فرهنگ سیاسی دربرگیرنده (زامبیا) یا انحصاری (موزامبیک) باشد، تخصیص تبعیض‌آمیز

بقای خود را مرهون شبکه‌های حامی پیرو هستند منجر به افزایش و تشدید فساد می‌شود و میزان این تاثیرات نیز به کیفیت نهادهای دموکراتیک بستگی دارد. در حقیقت شواهد تجربی ارائه شده از سوی باتاچاریا و هودلر حکایت از آن دارد که دموکراسی می‌تواند با افزایش دربردارندگی نظام سیاسی اثر منابع را تعدیل کند.

در مقابل عاصم اوغلو و همکاران [۲۰] و همچنین کولیر و هافلر [۲۱] درباره تاثیر مثبت دموکراسی بر کنترل فساد در کشورهای رانتیر تردید دارند. عاصم اوغلو و همکاران با مطالعه بوتساوانا چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که در کشورهای وابسته به رانت منابع سازوکارهای نظارت و تعادل نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از فساد و توزیع ناکارآمد منابع دارد. آنان نشان می‌دهند که باوجود محدود بودن رقابت‌های انتخاباتی در بوتساوانا، این کشور از یک سیستم رسمی و غیررسمی قوی به منظور نظارت و تعادل برخوردار است که مانع از فساد و غارت منابع عمومی می‌شود [۲۰]. کولیر و هافلر نیز با تمایز قائل شدن میان ابعاد متفاوت دموکراسی شامل بعد انتخاباتی (رای گیری) و سیستم نظارت و تعادل قوا نتیجه می‌گیرند که بعد انتخاباتی دموکراسی در کشورهای وابسته به منابع طبیعی نه تنها قادر به کاهش فساد نیست بلکه از طریق مهیا کردن زمینه خرید رای و تبلیغات پوپولیستی می‌تواند فساد را تقویت کند. برخلاف بعد نظارت و کنترل که می‌تواند تاثیر فسادزای درآمدهای ناشی از رانت را به شدت کاهش دهد.

داینینگ [۱۹] تاثیر دموکراسی بر فساد را در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، مشروط به قدرت و موقعیت گروه‌های ذی‌نفع می‌داند. در چارچوب نظری داینینگ اگر تغییر به سمت دموکراسی، با تضعیف گروه‌های ذی‌نفع حاکم همراه باشد و در

محصولات زراعی و کشاورزی) تمایز قائل می‌شوند. آنها نشان می‌دهند که منابع متمرکز رابطه منفی با معیارهای حکمرانی از قبیل حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و فساد دارد اما اثر مشابهی برای منابع طبیعی غیرمتمرکز تأیید نشده است.

دستگاه نظری پژوهش

چنانچه ادبیات نظری و تجربی حوزه دولت رانتیر نشان می‌دهد، درآمدهای ناشی از رانت پیامدهای اقتصادی و سیاسی نامطلوبی به همراه دارد. این درآمدها از یک سو به تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دولت و استقلال آن از جامعه و نهادهای مدنی می‌انجامد و از سوی دیگر کیفیت نهادهایی را که قرار است جامعه از طریق آن سازمان‌دهی و اداره شود، کاهش می‌دهد.

با حذف رقابتی سیاسی به مدد درآمدهای رانتی، زمینه برای سرکوب رقابت و شکل‌گیری انواع انحصار که زمینه‌ساز فساد است، فراهم می‌شود. حال آنکه تنها افزایش رقابت ممکن است جامعه را از قرار گرفتن در معرض بهره‌برداری و موضع وابستگی به صاحبان قدرت حفظ کرده و مانع از تسلط گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی و جناح‌های سیاسی بر جامعه و نظام تصمیم‌گیری شود. اما رقابت شدید و مشارکت گسترده به تنهایی برای کنترل فساد کافی نیست. وجود سیاست‌ها و نهادهای عقلانی که بازتوزیع ثروت، حقوق مالکیت و ورود به بازارها را تسهیل و محافظت کنند نیز بخشی از شروط کنترل فساد است. افراد و گروه‌های اجتماعی باید بتوانند به دولت موثر پاداش دهند و دولت‌های بی‌کفایت یا غارتگر را برکنار کنند. نهادمندی سیاسی و اقتصادی همچنین مسیرهایی قانونی را برای دنبال کردن منافع شخصی و گروهی فراهم می‌کنند. حال آنکه در شرایط

رانت یکی از مهمترین ابعاد مدیریت سیاسی است که قادر به حفظ ثبات سیاسی در درازمدت نیست.

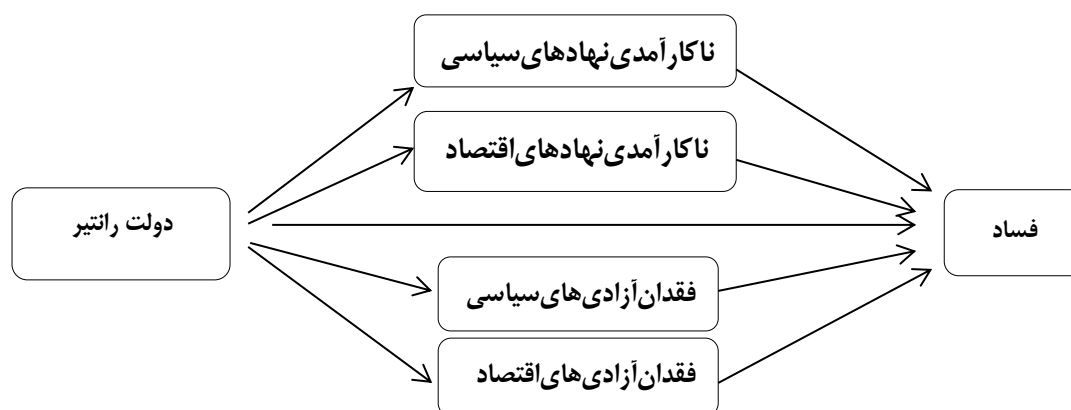
گروه دیگری از پژوهش‌ها از جمله اولالو و جیدی در لوسبانی و ببلایوی [۲۹]، ایوبی [۳۰]، فلی [۳۱]، هرتوگ [۳۲]، اسپیرینگ بورگ [۳۳]، الریشن [۳۴] تاثیر درآمدهای نفتی بر فساد را در ارتباط با کیفیت نهادهای عمومی مطالعه کرده‌اند. مهمترین استدلال این گروه از پژوهشگران آن است که کشورهای برخوردار از درآمدهای نفتی، کمتر ضرورت در اختیار داشتن دستگاه اداری موثر و کارآمدی را که قادر به جمع‌آوری مالیات باشد احساس می‌کنند. در حقیقت مهم‌ترین انگیزه دولت‌ها از برقراری و ایجاد سامانه‌های بوروکراتیک، کسب درآمد از طریق جمع‌آوری مالیات است که بدون برخورداری از سازمان‌های قوی و انضباط‌دهنده میسر نمی‌شود. حال آنکه بی‌نیازی از مالیات‌ستانی، دولت‌های رانتیر را به ناکارآمدی در هر حوزه‌ای که به درون‌دادهای سازمانی گسترده نیاز دارند مبتلا می‌کند.

اولالو و جیدی [۲۹] با مطالعه مالیه عمومی در کشورهای شمال آفریقا (الجزایر، مراکش، تونس، لیبی و موریتانی) نشان می‌دهد که افزایش درآمد نفتی به دولت اجازه می‌دهد انجام اصلاحات اساسی در سیستم مالی‌اش را که برای انطباق با شرایط عینی و واقعی ضرورت دارند، دائماً به تعویق بیندازد [۲۹]. در نتیجه بوروکراسی در جوامع رانتی، به تعبیر وبری «غیرعقلایی» و نسبت به راهبرد حداکثرسازی سود و کاهش هزینه بی‌توجه است. اشام و دیگران [۳۵] نیز بین «منابع متمرکز» که از یک منطقه جغرافیایی محدود استخراج می‌شود و می‌تواند با هزینه‌های نسبتاً پایین کنترل شود (مثل نفت و مواد معدنی) و «منابع غیرمتمرکز» که در منطقه جغرافیایی وسیع‌تری تولید شده و کمتر توسط دولت قابل کنترل است (مثل

منجر شده و الزامات عینی برای بهبود کیفیت نهادهای عمومی را نیز از میان بردارد. با این استدلال آزادی‌های سیاسی و اقتصادی به همراه کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی به‌عنوان مکانیزم‌های علی میانجی میان درآمدهای ناشی از رانت و فساد در مدل نظری تحقیق وارد شده‌اند.

ضعف چارچوب‌های نهادی که بتوانند مرز میان دو حوزه سیاسی و اقتصادی را مشخص و تنظیم کند، جستجوهای شخصی از طریق فساد یا خشونت تنها مسیر کسب ثروت یا قدرت است. در مدل پیشنهادی این تحقیق رانت منابع طبیعی همچنین می‌تواند به سرکوب مشارکت در دو حوزه سیاسی و اقتصادی

مدل ۱: مدل نظری پژوهش



مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌ها و دارای نهادهای ناکارآمد است.

۴. دولت رانتیر شرط علی کافی و نه لازم برای ناکارآمدی نهادی، فقدان آزادی‌ها و فساد سیستمیک است؛ به گونه‌ای که کشورهای وابسته به درآمدهای رانتی، زیرمجموعه کشورهای فاسد، فاقد آزادی‌ها و دارای نهادهای ناکارآمد است.

عملیاتی‌سازی مفاهیم

فساد (CC): در پژوهش حاضر از شاخص (CC) بانک جهانی برای سنجش فساد استفاده شده است. دلیل انتخاب این شاخص قابلیت دسترسی آسان‌تر نسبت به شاخص ریسک (ICRG) و شمولیت بیشتر (تعداد بیشتر کشورها و بازه زمانی

ساختار منطقی این مدل دلالت بر آن دارد که:

۱. نهادهای سیاسی ناکارآمد و نهادهای اقتصادی ناکارآمد شرط علی لازم و نه کافی برای فساد سیستمیک است، به گونه‌ای که کشورهای فاسد، زیرمجموعه کشورهای فاقد نهادهای کارآمد است.

۲. فقدان آزادی‌های سیاسی و فقدان آزادی‌های اقتصادی شرط علی لازم و نه کافی برای فساد سیستمیک است، به گونه‌ای که کشورهای فاسد، زیرمجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی و/ یا اقتصادی است.

۳. نهادهای ناکارآمد در ترکیب با فقدان آزادی‌ها، ترکیب علی لازم و کافی برای وقوع فساد سیستمیک است. به گونه‌ای که مجموعه کشورهای دارای فساد سیستمیک، اشتراک دو

وسیع‌تر) نسبت به شاخص فساد ادراک شده (CPI) است. اشاره به این نکته اهمیت دارد که این شاخص فساد را می‌سنجد که شرکت‌های بزرگ (اغلب بین‌المللی) با آن روبرو هستند و نه فساد سیاسی (مثلاً تقلب در انتخابات) یا فسادهای سطح خرد. در این شاخص برخورداری از نمرات بالاتر به معنای فساد کمتر است.

دولت رانتیر: در این پژوهش از سه شاخص برای سنجش رانتیرسیم، اتکا به درآمدهای نفتی و اتکا به درآمدهای منابع طبیعی استفاده شده است. طبق تعریفی که از رانتیرسیم ارائه شد، ماهیت رانتیر دولت از طریق مراجعه به درآمدهای دولت و تعیین سهم منابع غیرمالیاتی از بودجه دولتی تعیین می‌شود. شاخص تجربی متناسب و برخوردار از شمولیت کافی برای این تعریف، با نام **واهم و سایر درآمدها** از طریق سایت صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در دسترس پژوهشگران قرار دارد. برای اندازه‌گیری میزان اتکا به درآمدهای نفتی نیز از شاخص سهم درآمدهای نفتی از GDP و برای سنجش میزان اتکا به درآمدهای منابع طبیعی نیز شاخص سهم درآمدهای منابع طبیعی از GDP لحاظ شده است [۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹].

فقدان آزادی‌های سیاسی و فقدان آزادی‌های اقتصادی.

در این رساله برای سنجش دو بعد رقابت و مشارکت سیاسی که میزان بازبودن جامعه و دسترسی افراد و گروه‌ها به فرصت‌های سیاسی و اقتصادی را نشان می‌دهد، از شاخص پویلیتی ۲ استفاده شده که سالانه توسط مارشال و جاگرس ارائه می‌شود [۴۰]. برای بررسی بعد اقتصادی رقابت و فرصت‌ها، از شاخص آزادی اقتصادی در جهان (EFW) که توسط موسسه فریزر تدوین شده استفاده شده است.

ناکارآمدی نهادهای سیاسی و ناکارآمدی نهادهای اقتصادی.

برای سنجش کیفیت و کارآمدی نهادهای اقتصادی از دو شاخص حقوق و آزادی‌های اقتصادی استفاده شده است. تضمین قراردادهای و حقوق مالکیت امن می‌تواند نشان‌دهنده کارآمدی نهادهای اقتصادی و همچنین عملکرد هماهنگ چارچوب‌ها و حقوق اقتصادی باشد. میانگین نمرات فازی حقوق مالکیت از شاخص هریتیج و نمرات فازی تضمین قانونی قراردادهای از شاخص فریزر به‌عنوان نماینده کیفیت نهادهای اقتصادی در نظر گرفته شد.

در این پژوهش کیفیت نهادهای سیاسی نیز به ظرفیت این نهادها برای ایجاد ائتلاف سیاسی فراگیر و پایدار میان گروه‌های رقیب اشاره دارد به نحوی که امکان دسترسی طیف وسیعی از گروه‌های ذی‌نفع را به قدرت فراهم کند. در این پژوهش برای سنجش کیفیت نهادهای سیاسی از سه بعد نخبگان ازهم‌گسیخته، اعتراضات گروهی و مشروعیت دولت، ذیل شاخص دولت شکننده در بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ استفاده شده است [۴۱].

روش پژوهش

موضوع این رساله فساد است. فساد پدیده‌ای پیچیده است که نیاز به تحلیل‌های چندعاملی دارد. مدل نظری این پژوهش مشتمل بر چهار عامل میانجی است که هر یک مقادیر متفاوتی را می‌پذیرد. داده‌هایی که برای مطالعه فساد و آزمون مدل نظری در اختیار پژوهشگر قرار دارد، از نوع کمی است. واحدهای تحلیل این پژوهش نیز کشورها هستند و استراتژی این پژوهش ناظر بر مطالعه تطبیقی بین‌کشوری است. حضور همزمان این

پیچیده را با استناد به داده‌های کمی مطالعه می‌کند و با موردی خاص و منحصر به فردی نیز روبرو است، در روش فازی فراهم است. استفاده از روش فازی در این پژوهش نیز با همین استدلال صورت گرفته است.

این پژوهش از نوع تحلیل داده‌های ثانویه است. در این تحقیق از نرم افزار تحلیل فازی fs/qca و SPSS استفاده شده است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه ۱۷۶ کشوری تشکیل می‌دهند که در موردشان اطلاعات کافی از نمرات مربوط به متغیرهای اصلی مدل مفهومی شامل فساد و وابستگی به رانت منابع طبیعی وجود داشته باشد و بتوان از آن برای تحلیل تطبیقی استفاده کرد. در حقیقت دسترسی به داده تنها عامل محدود کننده تعداد نمونه است. در این پژوهش برای آزمون تجربی مدل نظری علاوه بر تکنیک رگرسیون از شاخص‌های سازگاری و پوشش استفاده شده است. این شاخص‌ها روابط علی را مبتنی بر اصل ارزیابی زیرمجموعه‌های فازی و در چارچوب شروط لازم و کافی تحلیل می‌کنند.

در این پژوهش تعریف عملیاتی مفاهیم نیز براساس چارچوب‌های نظری تحقیق ارائه شده است. مفاهیم دولت رانتیر، کیفیت نهادهای سیاسی و کیفیت نهادهای اقتصادی به‌طور مشخص براساس زمینه نظری پژوهش و با تکیه بر تئوری دولت رانتیر و رویکرد نونهادگرایی که این پژوهش ذیل آن قرار می‌گیرد، تعریف شده‌اند. بنابراین روایی شاخص‌ها و سنجه‌هایی که برای اندازه‌گیری مفاهیم مدل نظری انتخاب شده‌اند، باید در چارچوب رویکرد نظری تحقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. در این پژوهش تلاش شده است تعریف عملیاتی مفاهیم هماهنگ با چارچوب نظری و منبعث از آن باشد. همچنین تلاش شده است با استفاده از داده‌های معتبر جهانی، پایایی نتایج و یافته‌های

ویژگی‌ها (کیفیت خاص و پیچیده موضوع مطالعه، سطح تحلیل بین‌کشوری و ماهیت کمی داده‌ها) برخی چالش‌های روش‌شناختی را پیش روی این پژوهش قرار داده است که در چارچوب روش‌شناسی‌های رایج قابل حل و فصل نیست، به همین دلیل از روش‌شناسی فازی در این پژوهش استفاده شده است.

این پژوهش از یک سو به دلیل استفاده از روش تمام‌شماری با جمعیت نمونه‌ای برابر با ۱۷۶ مورد، پژوهشی متغیرمحور است و از سوی دیگر به‌واسطه انتخاب کشورها به‌عنوان واحدهای تحلیل، می‌تواند پژوهشی موردمحور تلقی شود. از نظر چارلز ریگن دوراهی اصلی در روش‌شناسی علوم اجتماعی انتخاب میان "معطوف به مورد" بودن یا "معطوف به متغیر" بودن است [۴۲]. مزیت روش‌شناسی فازی برای پژوهش حاضر امکان بهره‌گیری همزمان از دو استراتژی مورد محوری و متغیر محوری در چارچوب یک رویکرد روش‌شناختی است.

روش فازی همچنین به فهم وضعیت‌های پیچیده کمک می‌کند. در دستگاه معرفتی فازی هر مورد به مثابه یک ترکیب قابل فهم است. هر ترکیب به‌عنوان یک مجموعه در نظر گرفته می‌شود و میزان عضویت موردها در این مجموعه در چارچوب منطق فازی تحلیل می‌شود [۴۳]. این نگاه در مطالعات تطبیقی به ویژه از نوع بین‌کشوری که هر واحد تحلیل ترکیب پیچیده و منحصر به فردی از عوامل است، به حفظ تکینگی واقعیت اجتماعی کمک می‌کند. علاوه بر این رویکرد مبتنی بر منطق فازی می‌تواند سطوح اندازه‌گیری کیفی (اسمی یا ترتیبی) و کمی (فاصله‌ای یا نسبی) را با یکدیگر ترکیب کند. بنابراین امکان بهره‌گیری توأمان از مزایای روش‌های کمی و کیفی برای پژوهش‌های متغیر محوری نظیر مقاله پیش‌رو که پدیده‌ای

تحلیل توصیفی

آماره‌های توصیفی بیانگر آن است که نمرات کنترل فساد ۶۰ درصد از کشورهای مورد بررسی پایین‌تر از نقطه گذار قرار داشته و هر کدام به میزانی بیشتر فاسد به شمار می‌روند تا سالم. کشورهای غیرعضو در مجموعه کشورهای برخوردار از کنترل فساد بیشتر در مناطق آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا (به جز تعدادی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و برخی کشورهای نفتی خلیج فارس) و اروپای شرقی قرار دارند؛ درحالی‌که بیشتر کشورهایی عضو در مجموعه کشورهای برخوردار از کنترل فساد اغلب به حوزه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی تعلق دارند. همچنین میانگین نمره ایران در شاخص کنترل فساد برابر با ۰.۰۶- و درجه عضویت‌اش در این مجموعه برابر با ۰.۱۴ است.

تحقیق تضمین شود. در این پژوهش از داده‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، خانه آزادی، صندوق بین‌المللی صلح و دو بنیاد هریتیج و فریزر استفاده شده است. این نهادهای بین‌المللی با رعایت دقت‌نظرهای روش شناختی، معتبرترین داده‌های جهانی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

یافته‌های تحقیق

داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل دو دسته از داده‌های میانگین و طولی است. بخش توصیفی رساله براساس میانگین نمرات سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۹ تدوین شده و برای بخش تبیینی از داده‌های طولی و برحسب ضرورت از داده‌های میانگین به‌طور همزمان استفاده شده است.

جدول ۱: توزیع آمار نمرات فازی کنترل فساد در قاره آسیا

منطقه	نام کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
جنوب آسیا	بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیو، مولداوی، نپال، پاکستان، سریلانکا	۸	۰.۲۵	۰.۲۹
شرق آسیا	چین، مغولستان، کره جنوبی، ژاپن، هنگ‌کنگ	۵	۰.۶۵	۰.۳۸
جنوب شرق آسیا	برونئی، دارالسلام، کامبوج، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، پالائو، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، تیمورلسته، ویتنام	۱۲	۰.۳	۰.۳۲
غرب آسیا و خاورمیانه	افغانستان، بحرین، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات، یمن	۱۵	۰.۴۴	۰.۳۵
منطقه قفقاز و آسیای مرکزی	ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان	۸	۰.۱۱	۰.۱۶

جدول ۲: توزیع آمار نمرات فازی کنترل فساد در قاره آفریقا

منطقه	نام کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
-------	------------	---------	---------	------------------

۰.۱۶	۰.۱۸	۶	الجزایر، مصر، لیبی، مراکش، سودان، تونس	آفریقای شمالی
۰.۱۳	۰.۰۷	۹	آفریقای مرکزی، گابن، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری کنگو، چاد، کامرون، گینه استوایی، سائوتومه، وپرنسیپ بروندي	مرکز آفریقا
۰.۲۳	۰.۲	۱۵	کیپورد، توگو، کتلوره، بنین، بورکینافاسو، گامبیا، غنا، گینه، گینه‌بیسائو، مالی، موریتانی، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون	غرب آفریقا
۰.۲۹	۰.۲۹	۲۰	آنگولا، بوتسوانا، لسوتو، ماداگاسکار، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، تانزانیا، زامبیا، زیمبابوه، بوتسوانا، آفریقای جنوبی، کنیا، اوگاندا، جیبوتی، اریتره، اتیوپی، سومالی، رواندا، سیشل (Seychelles)	جنوب و شرق آفریقا

جدول ۳: توزیع آمار نمرات فازی کنترل فساد در قاره اروپا

منطقه	نام کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
اروپای شرقی و مرکزی	آلبانی، بلاروس، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، روسیه، صربستان، جمهوری اسلواکی، اسلونی، اوکراین	۱۷	۰.۵	۰.۳۱
اروپای غربی و شمالی	اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایسلند، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، سوئد، سوئیس، انگلستان	۱۴	۰.۹۹	۰.۰۰
اروپای جنوبی	اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، یونان، قبرس	۵	۰.۸۲	۰.۱۷

جدول ۴: توزیع منطقه‌ای آمار نمرات فازی کنترل فساد در قاره آمریکا

منطقه	نام کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
آمریکای جنوبی	آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، گواتمالا، گویان، مالت، مکزیک، پاراگوئه، پرو، سورینام، اروگوئه، ونزوئلا	۱۵	۰.۳۶	۰.۳۳
آمریکای مرکزی و کارائیب	باهاما، باربادوس، بلیز، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینیکن، السالوادور، گرنداهائیتی، هندوراس، جامائیکا، نیکاراگوئه، پاناما، پورتوریکو، ترینیداد و توباگو	۱۵	۰.۴۷	۰.۳۵
آمریکای شمالی	ایالات متحده آمریکا و کانادا	۲	۰.۹۹	۰.۰۰

جدول ۵: توزیع منطقه‌ای آمار نمرات فازی کنترل فساد در قاره استرالیا و اقیانوسیه

منطقه	نام کشورها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
استرالیا و اقیانوسیه	استرالیا، فیجی، گوام، جزایر مارشال، نیوزلند، پاپوا گینه نو، ساموآ، جزایر سلیمان، تونگا، وانواتو	۱۰	۰.۵۶	۰.۳۳

سیاسی کارآمد کاملاً غیرعضو بوده یا در آستانه عدم عضویت کامل قرار دارند.

در مجموعه کیفیت نهادهای اقتصادی از ۱۵۹ کشوری که داده‌های مربوط به سازه کیفیت نهادهای اقتصادی‌شان در دسترس قرار داشت، درجه عضویت ۴۳ درصد بالاتر از نقطه گذار، برچسب زبانی ۴۳ درصد موارد عدم عضویت کامل و آستانه عدم عضویت کامل و ۱۸ درصد عضویت کامل و آستانه عضویت کامل بوده است. در مجموعه کیفیت نهادهای اقتصادی واریانس نمرات به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر از مجموعه کیفیت نهادهای سیاسی است.

میانگین مجموعه آزادی‌های سیاسی برابر با ۰.۵۲ و میانه آن نیز برابر با ۰.۵۷ بوده است. درجه عضویت ۴۶ درصد از موارد در رتبه عدم عضویت کامل و آستانه عدم عضویت کامل قرار داشته و برابر با همین عدد در رتبه عضویت کامل و آستانه عضویت کامل قرار دارند. بیشترین فراوانی‌ها نیز متعلق به مجموعه‌های عدم‌عضویت کامل و عضویت کامل است.

میانگین و میانه درجه عضویت برای مجموعه آزادی‌های اقتصادی نیز به ترتیب برابر با ۰.۴۳ و ۰.۴۷ است که نشان می‌دهد چولگی قابل ملاحظه‌ای در توزیع نمرات مشاهده نمی‌شود. بیشترین فراوانی متعلق به برچسب‌های زبانی عملیات درون مجموعه به میزان ۲۳ درصد و عملیات بیرون مجموعه به میزان ۲۸ درصد است.

تحلیل تبیینی

در بخش تبیینی فرضیات برآمده از مدل نظری آزمون شده‌اند. فرضیات شامل چهار گزاره است که در ادامه در باب هر یک بحث شده است.

تحلیل توصیفی درجات عضویت در مجموعه کشورهای وابسته به درآمد نفتی نیز نشان می‌دهد که بیش از نیمی از ۱۷۶ کشور مورد مطالعه در مجموعه کشورهای وابسته به درآمدهای نفتی کاملاً غیرعضو بوده و تنها درجه عضویت ۱۵ درصد از کشورها بالاتر از نقطه گذار (۰.۵) قرار دارد. بیشترین سهم درآمدهای نفتی در GDP نیز به میزان ۵۰.۱۴ به کشور تیمور شرقی تعلق گرفت. همچنین میانگین سهم درآمدهای نفتی از GDP برای کشور ایران طی ۲۱ سال (۲۰۱۹-۱۹۹۶) برابر با ۲۴.۱ و درجه عضویت‌اش در مجموعه کشورهای وابسته به درآمدهای نفتی به میزان ۰.۹۴ برآورد شد.

میانگین درجه عضویت در مجموعه کشورهای وابسته به درآمد منابع طبیعی نیز برابر با ۰.۳۱ و میانه آن به میزان ۰.۱۱ است، نیمی از جمعیت نمونه در مجموعه وابستگی به درآمد منابع طبیعی عمدتاً غیرعضو هستند و درجه عضویت تنها ۱۵ درصد از آنان بالاتر از نقطه گذار قرار دارد. سهم درآمدهای غیرمالیاتی از بودجه دولت نیز دیگر شاخص به‌کار رفته برای سنجش خصیصه رانتیر دولت است که در این پژوهش به آن مراجعه شد. تحلیل‌های توصیفی نشان می‌دهد از مجموع ۱۲۵ کشوری که دسترسی به داده‌های‌شان امکان‌پذیر بود، تنها درجه عضویت ۱۷ درصد از کشورهای مورد مطالعه در مجموعه کشورهای وابسته به درآمد غیرمالیاتی بالاتر از نقطه گذار قرار داشت.

از مجموع ۱۶۸ کشوری که دسترسی به داده‌های مربوط به سازه کیفیت نهادهای سیاسی برایشان امکان‌پذیر بود، ۳۰ درصد از کشورها نمراتی بالاتر از نقطه گذار کسب کرده‌اند. نیمی از جمعیت نمونه نیز در مجموعه کشورهای دارای نهادهای

فرضیه اول: " نهادهای سیاسی ناکارآمد و نهادهای اقتصادی ناکارآمد شرط علی لازم و نه کافی برای فساد سیستمیک است، به گونه‌ای که کشورهای فاسد، زیر مجموعه کشورهای دارای نهادهای سیاسی ناکارآمد و نهادهای اقتصادی ناکارآمد است."

نمرات جدول زیر نشان می‌دهد که شاخص سازگاری برای شروط علی نهادهای سیاسی ناکارآمد و نهادهای اقتصادی ناکارآمد بالاتر از آستانه تعیین شده (۰.۷۵) قرار دارد. به عبارت دیگر شروط علی ناکارآمدی نهادهای سیاسی و ناکارآمدی نهادهای اقتصادی از اهمیت نظری کافی در تبیین فساد برخوردار است.

جدول ۶: تحلیل علی منفرد فساد با فقدان نهادهای کارآمد سیاسی / اقتصادی (داده‌های طولی)

اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط		
اهمیت تجربی	اهمیت نظری	نوع شرط	شاخص ضرورت	شاخص کفایت
				$X \geq Y$ Consistency Y
پوشش	سازگاری			
۰.۸۰	۰.۹۵	لازم	۰.۹۵	۰.۸۰
				شروط زمینهای
				عضویت در مجموعه کشورهای دارای نهادهای سیاسی ناکارآمد
۰.۸۵	۰.۷۸	کافی	۰.۷۸	۰.۸۵
				عضویت در مجموعه کشورهای دارای نهادهای اقتصادی ناکارآمد

می‌دهد حال آنکه تنها در ۷۸ درصد موارد فساد همراه با ناکارآمدی نهادهای اقتصادی رخ داده است. به این معنا ۲۲ درصد کشورهای برخوردار از نهادهای اقتصادی کارآمد به فساد سیستمیک مبتلا هستند.

فرضیه دوم: "فقدان آزادی‌های اقتصادی و فقدان آزادی‌های سیاسی شرط علی لازم و نه کافی برای فساد سیستمیک است، به گونه‌ای که کشورهای فاسد زیرمجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی و کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی است."

براساس مندرجات جدول ۶ نهادهای سیاسی ناکارآمد شرط لازم برای وقوع فساد است؛ چراکه در ۹۵ درصد از کشورهای مبتلا به فساد سیستمیک ناکارآمدی نهادهای سیاسی رخ داده است. در مورد کیفیت نهادهای اقتصادی نیز بالا بودن شاخص کفایت نسبت به شاخص ضرورت از اهمیت برخوردار است. درحالی‌که مطابق با فرضیه پژوهش نهادهای اقتصادی ناکارآمد شرط لازم وقوع فساد است، یافته‌های تجربی نهادهای اقتصادی ناکارآمد را شرطی بیشتر کافی برای فساد سیستمیک نشان می‌دهد. به این معنا در ۸۵ درصد از مواردی که کارآمدی نهادهای اقتصادی پایین‌تر از نقطه گذار قرار دارد، فساد رخ

جدول ۷: تحلیل علی منفرد فساد با فقدان آزادی‌های سیاسی / اقتصادی (داده‌های طولی)

اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط		
اهمیت تجربی	اهمیت نظری	نوع شرط	شاخص ضرورت	شاخص کفایت
پوشش	سازگاری			$X \geq Y$ Consistency Y
				شروط زمبیه‌ای
۰.۷۰	۰.۸۵	کافی	۰.۷۰	۰.۸۵
				عضویت در مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی
۰.۷۸	۰.۸۸	کافی	۰.۷۸	۰.۸۸
				عضویت در مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی

شاخص کفایت برای این مجموعه به میزان ۰.۸۵ است که بالاتر از آستانه تعیین شده قرار دارد. این مقدار به معنای آن است که ۸۵ درصد از کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی، به فساد سیستمیک مبتلا هستند. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که آزادی‌های سیاسی لزوماً به کنترل فساد منجر نمی‌شود اما در صورت فقدان آزادی‌های سیاسی به احتمال ۸۵ درصد به فساد رخ می‌دهد.

فرضیه سوم: "نهادهای ناکارآمد در ترکیب با فقدان آزادی‌ها، ترکیب علی لازم و کافی برای وقوع فساد سیستمیک است. به‌گونه‌ای که مجموعه کشورهای دارای فساد سیستمیک، اشتراک دو مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌ها و دارای نهادهای ناکارآمد است."

فرضیه سوم این رساله در باب رابطه اشتراک مجموعه‌های شروط علی با مجموعه فساد است. این فرضیه در چند مرحله، به کمک تکنیک‌های چندگانه تحلیل و با استناد به دو سری داده تجربی شامل داده‌های طولی و میانگین آزمون شده است. در اولین مرحله از تحلیل شاخص سازگاری میان اشتراک مجموعه‌های شروط علی و فساد، بالاتر از آستانه تعیین شده

نمرات جدول بالا نشان می‌دهد که هر دو شاخص ضرورت و کفایت برای مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی رقمی بالاتر از آستانه ۰.۷۵ به‌عنوان حداقل تعیین شده برای معناداری است. از طرفی مقایسه این شاخص‌ها فقدان آزادی‌های اقتصادی را شرطی بیشتر کافی برای فساد سیستمیک نشان می‌دهد. شاخص کفایت برای مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی برابر با ۰.۸۸ است که ۱۰ نمره از شاخص ضرورت محاسبه شده برای این مجموعه بالاتر است. باتوجه به آنکه شاخص کفایت میان دو مجموعه فساد سیستمیک و فقدان آزادی‌های اقتصادی از شاخص ضرورت میان این دو مجموعه بیشتر است، فقدان آزادی‌های اقتصادی را باید شرطی بیشتر کافی برای فساد سیستمیک دانست.

مجموعه فقدان آزادی‌های سیاسی نیز که در فرضیه دوم شرط لازم برای فساد سیستمیک محسوب شده، در تحلیل تجربی به مثابه شرط کافی ظاهر شده است. نتایج تحلیل فازی نشان می‌دهد که فقدان آزادی‌های سیاسی شرطی بیشتر کافی و کمتر لازم برای فساد است. به این معنا تنها در ۷۰ درصد از کشورهای دارای فساد سیستمیک فقدان آزادی‌های سیاسی مشاهده شده که از حدنصاب ۷۵ درصد کمتر است؛ حال آنکه

قرار دارد که از معنادار بودن رابطه مجموعه اشتراک شروط علی با مجموعه نتیجه خبر می‌دهد.

جدول ۸: تحلیل ترکیب علی نهادهای ناکارآمد و فقدان آزادی‌ها (داده‌های طولی)

تحلیل ترکیب شروط علی		
نتیجه: فساد سیستمیک		
سازگاری	پوشش	ناکارآمدی نهادهای سیاسی.
۰.۹۹	۰.۷۵	* ناکارآمدی نهادهای اقتصادی.
		* فقدان آزادی‌های سیاسی.
		* فقدان آزادی‌های اقتصادی.

کمترو اجراي فرمان تحليل استاندارد، سه ترکیب علی در میان جمعیت نمونه تشخیص داده شد.

در ادامه ترکیب شروط علی از طریق گزینه Truth Table Algorithm تحلیل شد. با در نظر گرفتن آستانه سازگاری ۰.۸۰ و فراوانی ۳ برای حذف ترکیب‌هایی با اهمیت و اعتبار

تحلیل استاندارد داده‌های میانگین

نتیجه: فساد سیستمیک			
سازگاری	پوشش یکه	پوشش خام	ترکیب‌های علی (پوشش: ۰.۹۲؛ سازگاری: ۰.۸۲)
۰.۸۵	۰.۴۳	۰.۹۰	ناکارآمدی نهادهای سیاسی.
۰.۸۴	۰.۰۰۰	۰.۲۶	آزادی‌های اقتصادی. * نهادهای کارآمد اقتصادی. * فقدان آزادی‌های سیاسی.
۰.۸۸	۰.۰۰۳	۰.۴۲	آزادی‌های سیاسی. * فقدان آزادی‌های اقتصادی. * ناکارآمدی نهادهای اقتصادی.

وقوع فساد است. چنانچه خروجی نرم‌افزار نشان می‌دهد ناکارآمدی نهادهای سیاسی در ۹۰ درصد موارد منجر به فساد سیستمیک می‌شود. تحلیل استاندارد از طریق شاخص پوشش یکه به خوبی اهمیت ناکارآمدی نهادهای سیاسی را برای فساد سیستمیک نشان می‌دهد. رقم ۰.۴۳ برای شاخص پوشش یکه

چنانچه جدول بالا نشان می‌دهد ترکیب علی اول با ۰.۹۰ پوشش خام از قدرت تبیین‌کنندگی بسیار بالا و ترکیب سوم با شاخص پوششی برابر با ۰.۴۲ از اهمیت تجربی کافی برای تحلیل برخوردار است. براساس الگوی نخست ناکارآمدی نهادهای سیاسی در گروهی از کشورها شرط لازم و کافی برای

متفاوت مقایسه و ساده‌سازی کند. یکی از این الگوها قانون دمورگان است که برای خلاصه کردن ترکیب‌های علی در جبر بولی و روش فازی به کار می‌رود. با انتخاب خانه don't care مقابل سطر Remainder در باکس Spesify Analysis. فرمان دمورگان بر روی داده‌های میانگین اجرا شد و سه ترکیب علی به دست آمد.

به این معناست که ۴۳ درصد از تغییرات فساد تنها از طریق ناکارآمدی نهادهای سیاسی قابل توضیح است. در نرم‌افزار فازی علاوه بر گزینه تحلیل استاندارد، تحلیل اختصاصی نیز قابل اجرا است که به‌عنوان تکنیک بعدی مورد استفاده قرار گرفت. آیکون تحلیل اختصاصی در نرم‌افزار فازی این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند که ترکیب‌های علی برخوردار از حدنصاب فراوانی و معناداری را براساس چند الگوی

تحلیل اختصاصی داده‌های میانگین بر پایه قاعده دمورگان

نتیجه: فساد سیستمیک			
سازگاری	پوشش یکه	پوشش خام	ترکیب‌های علی (پوشش راهحل: ۰.۹۳؛ سازگاری راهحل: ۰.۸۱).
۰.۸۵	۰.۱۱	۰.۹۰	ناکارآمدی نهادهای سیاسی.
۰.۸۷	۰.۰۰	۰.۶۲	فقدان آزادی‌های سیاسی.
۰.۹۲	۰.۰۳	۰.۶۹	فقدان آزادی‌های اقتصادی. * ناکارآمدی نهادهای اقتصادی.

فرضیه چهارم: دولت رانتیر شرط علی کافی و نه لازم برای ناکارآمدی نهادی، فقدان آزادی‌ها و فساد سیستمیک است؛ به گونه‌ای که کشورهای وابسته به درآمدهای رانتی، زیرمجموعه کشورهای فاسد، فاقد آزادی‌ها و دارای نهادهای ناکارآمد است. برای آزمون فرضیه چهارم مجموعه‌ای تحت عنوان درآمدهای رانتی ساخته شد و به‌عنوان شرط کافی در ارتباط با فساد، نهادها و آزادی‌ها تحلیل شد. برای ساخت این مجموعه، نمرات فازی درآمدهای غیرمالیاتی دولت مبنا قرار گرفت. برای کشورهایی که سهم مالیات از بودجه دولتی مشخص نبود، به شرط آنکه این کشورها وام‌گیرندگان بزرگی نباشند، به شاخص درآمدهای ناشی از منابع طبیعی مراجعه شد.

چنانچه نتایج تحلیل اختصاصی نشان می‌دهد ۱۱ درصد از تغییرات مجموعه فساد تنها از طریق ناکارآمدی نهادهای سیاسی قابل توضیح است. نرخ پوشش بالا میان مجموعه ناکارآمدی نهادهای سیاسی و فساد به معنای آن است که نهادهای سیاسی ناکارآمد شرطی بیشتر کافی برای وقوع فساد سیستمیک است. به این معنا در ۹۰ درصد موارد ناکارآمدی نهادهای سیاسی منجر به فساد شده است. شاخص سازگاری برای این دو مجموعه نیز برابر با ۰.۸۵ است که باید آن را به معناداری رابطه میان دو مجموعه ناکارآمدی نهادهای سیاسی و فساد سیستمیک تعبیر کرد.

تحلیل شرط علی درآمدهای رانتی

اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط		
اهمیت تجربی	اهمیت نظری	نوع شرط	شاخص ضرورت	شاخص کفایت
			$X \geq Y$ Consistency Y	$X \leq Y$ Consistency X
پوشش	سازگاری			شروط زمینه‌ای
۰.۴۹	۰.۸۹	کافی	۰.۴۹	۰.۸۹
عضویت در مجموعه کشورهای فاقد نهادهای اقتصادی کارآمد.				
۰.۵۲	۰.۸۰	کافی	۰.۵۲	۰.۸۰
عضویت در مجموعه کشورهای فاقد نهاد سیاسی کارآمد.				
۰.۸۱	۰.۵۵	لازم	۰.۸۱	۰.۵۵
عضویت در مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی.				
۰.۶۵	۰.۸۰	کافی	۰.۶۵	۰.۸۰
عضویت در مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی.				
۰.۴۷	۰.۸۱	کافی	۰.۴۷	۰.۸۱
عضویت در مجموعه کشورهای فاسد.				

می‌شود. همچنین می‌توان ادعا کرد تنها کشورهای وابسته به رانت قادرند در برابر برقراری نسبی آزادی‌های اقتصادی مقاومت و از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی توصیه می‌شود امتناع کنند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر عوامل ساختاری موثر بر فساد تاکید شده است. رویکرد ساختاری در مطالعه فساد آشکارا با نظریاتی که بر حرص و طمع عاملین و کارگزاران در بروز فساد تاکید دارد متفاوت است. این نوشتار با تکیه بر شروط ساختاری موجد فساد شامل کیفیت نهادهای سیاسی، کیفیت نهادهای اقتصادی، آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های اقتصادی، از تبیین‌های ساختاری در برابر تبیین‌های فردگرایانه جانبداری می‌کند. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد درآمدهای رانتی شرطی بیشتر کافی برای فساد سیستمیک است. به نحوی که شیوع بیشتر فساد را در کشورهای برخوردار از درآمدهای رانتی توضیح می‌دهد. کیفیت پایین نهادهای سیاسی نیز بیشترین اهمیت را در تعیین

چنانچه نتایج جدول بالا نشان می‌دهد شاخص کفایت مجموعه کشورهای برخوردار از درآمدهای رانتی برای سه مجموعه کشورهای فاقد نهادهای اقتصادی کارآمد، کشورهای فاقد نهادهای سیاسی کارآمد و کشورهای فاقد آزادی‌های سیاسی بالاتر از حداقل تعیین شده یعنی ۰.۸ است. به عبارت دیگر وابستگی به انواع درآمدهای رانتی (اعم از درآمد نفتی، منابع طبیعی و وام‌های خارجی) شرط کافی و نه لازم برای ناکارآمدی نهادهای سیاسی، ناکارآمدی نهادهای اقتصادی و فقدان آزادی‌های سیاسی است. در مقابل، بالاتر بودن شاخص ضرورت نسبت به شاخص کفایت برای مجموعه درآمدهای رانتی و آزادی‌های اقتصادی، به معنای آن است که درآمدهای رانتی شرطی بیشتر لازم و نه کافی برای آزادی‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر مجموعه درآمدهای رانتی تنها برای مجموعه کشورهای فاقد آزادی‌های اقتصادی به مثابه شرط کافی عمل نمی‌کند. در تفسیر این یافته می‌توان گفت رابطه درآمدهای رانتی و آزادی‌های اقتصادی در کشورهای وابسته به رانت تحت تاثیر عوامل دیگری نیز قرار دارد یا توسط برخی عوامل تعدیل

منطقه‌ای عوامل کلیدی کنترل فساد در مناطق مختلف، می‌تواند موضوعی برای تحقیقات و پژوهش‌های آینده باشد.

همچنین مطالعه کشورهای که به نحوی از الگوی منطقه‌ای کنترل فساد تبعیت نمی‌کنند یا چارچوب مفهومی پیشنهادی این پژوهش قادر به تبیین وضعیت کنترل فساد در آن‌ها نبوده است، می‌تواند به موضوع مطالعات مورد محور بدل شود. کشورهای نظیر بوتان (جنوب آسیا)، مغولستان (شرق آسیا)، برونی (جنوب شرق آسیا)، گرجستان (قفقاز)، مراکش و تونس (آفریقای شمالی)، سائوتومه (مرکز آفریقا)، تانزانیا (شرق آفریقا) و ترینیداد و توباگو (کارائیب) از آن جمله‌اند.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهام نویسندگان در مقاله: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

Reference:

1. Rose-Ackerman, S. Political Corruption and Democracy. *Conn. J. Int'l L.*, 14, 363, 1999.
2. Lambsdorff, J. G. Measuring Corruption the Validity and Precision of Subjective

میزان فساد بین ۱۷۶ کشور مورد بررسی دارد و می‌توان آن را شرط لازم و کافی برای وقوع فساد دانست.

این یافته به معنای آن است که هر تلاشی برای کنترل فساد باید مسبق به توزیع فراگیرتر قدرت سیاسی در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی باشد. درحقیقت به‌کارگیری تکنیک‌های معمول مبارزه با فساد نظیر برخورد قضایی یا شیوه‌های پیشگیرانه‌ای همچون شفافیت، تنها زمانی در کنترل فساد موثر است که انحصار کسب و به‌کارگیری قدرت سیاسی از دست گروهی کوچک خارج شده باشد. به این معنا به‌کارگیری ابزارهایی چون شفافیت در آن دسته از نظام‌های سیاسی که فاقد ظرفیت‌های لازم برای ایجاد ائتلافی فراگیر میان نیروهای سیاسی است، کمکی به بهبود فساد نخواهد کرد. بر این اساس اولین گام در مسیر کنترل فساد را باید با ارتقا کیفیت نهادهای سیاسی به معنای فراتر بردن مرزهای ائتلاف و افزایش دربردارندگی نظام سیاسی برداشت.

پیشنهادات

توزیع منطقه‌ای کنترل فساد نشان می‌دهد عوامل کلیدی مؤثر بر این پدیده از حیث منطقه‌ای متفاوت است. کیفیت نهادهای سیاسی در مناطق آفریقای مرکزی، آمریکای جنوبی، جنوب شرق آسیا و خاورمیانه، کیفیت نهادهای اقتصادی در مناطق جنوب آسیا، کارائیب، آمریکای جنوبی، منطقه اقیانوسیه و جنوب اروپا، آزادی‌های سیاسی در مناطق قفقاز، شمال و مرکز آفریقا و آزادی‌های اقتصادی در مناطق جنوب و غرب آفریقا، شرق آسیا و جنوب اروپا از بیشترین اهمیت در تعیین تغییرات مجموعه کنترل فساد برخوردار است. تحلیل چرایی توزیع

13. Najmabadi, A. Land Reform and Social Change in Iran. Salt Lake City: University of Utah Press, 50-168, 1987.
14. Karl, T. L. The Paradox of Plenty. University of California Press, 1997.
15. Caselli, F., & Michaels, G. Resource Abundance, Development and Living Standards: Evidence from Oil Discoveries in Brazil. NBER Working Paper, No. 15550, 2009.
16. Boix, C. Democracy and Redistribution. Cambridge University Press, 2003.
17. Robinson, G. E. The Politics of Legal Reform in Palestine. Journal of Palestine Studies, 27(1), 51-60, 1997.
18. Herb, M. Subordinate Communities and the Utility of Ethnic Ties to a Neighboring Regime: Iran and the Shi'a of the Arab States of the Gulf. Ethnic Conflict and International Politics in the Middle East, 155-180, 1999.
19. Dunning, T. Crude Democracy: Natural Resource Wealth and Political Regimes. Cambridge University press, 2008.
20. Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J., & Thaicharoen, Y. Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth. Journal of Monetary Economics, 50(1), 49-123, 2003.
21. Collier, P., & Hoeffler, A. Testing the Neocon agenda: Democracy in Resource rich Societies. European Economic Review, 53(3), 293-308, 2009.
22. Bhattacharyya, S., & Hodler, R. Do Natural Resource Revenues Hinder Financial Development? 2011.
- Indicators (CPI). Measuring Corruption, 81, 2006.
3. Treisman, D. What Does Cross-National Empirical Research Reveal About the Causes of Corruption?. In Routledge Handbook of Political Corruption, Routledge, 109-123, 2014.
4. Kurer, O. Definitions of Corruption. Routledge, 44-55, 2014.
5. The World Bank, 2018: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series>.
6. Shleifer, A. & Vishny, R. W. Corruption. The Quarterly Journal of Economics, 108 (3), 599-617, 1993.
7. Lane, P. R., & Tornell, A. The Voracity Effect. American Economic Review, 89(1), 22-46, 1999.
8. Lane, P. R., & Tornell, A. Voracity and growth, 1998.
9. Ades, A., & Di Tella, R. Rents, Competition and Corruption. American Economic Review, 89(4), 982-993. 1999.
10. Torvik, R. Learning by Doing and the Dutch Disease. European Economic Review, 45(2), 285-306, 2001.
11. Torvik, R. Why do Some Resource-Abundant Countries Succeed While Others Do not?. Oxford Review of Economic Policy, 25(2), 241-256, 2009.
12. Deacon, R. T., & Rode, A. Rent Seeking and the Resource Curse. In Companion to the Political Economy of Rent Seeking. Edward Elgar Publishing, 2015.

- Economic Research Forum Working Papers, No. 9511, 1995, June.
31. Foley, S., & Foley, S. The Arab Gulf States: Beyond Oil and Islam. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers, 167-200, 2010.
 32. Hertog, S. Defying the Resource Curse: Explaining Successful State-Owned Enterprises in Rentier States. *World Politics*, 62(2), 261-301, 2010.
 33. Springborg, R. GCC Countries as "Rentier States" Revisited. *Middle East Journal*, 67(2), 301-309, 2013.
 34. Ulrichsen, K. The Transformation of the Gulf: Politics, Economics and the Global Order, 2013.
 35. Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L., & Busby, G.. The Varieties of Resource Experience: Natural Resource Export Structures and the Political Economy of Economic Growth. *The World Bank Economic Review*, 19(2), 141-174, 2005.
 36. Sachs, J. D., & Warner, A. Natural Resource Abundance and Economic Growth, 1995.
 37. Herb, M. No Representation Without Taxation? Rents, Development, and Democracy. *Comparative Politics*, 297-316, 2005.
 38. Busse, M., & Gröning, S. The Resource Curse Revisited: Governance and Natural Resources. *Public Choice*, 154(1), 1-20, 2013.
 39. Bhattacharyya, S., & Hodler, R. 2008. Natural Resources. In online: <http://www.isid.ac.in/~>
 23. Robinson, J. A., Torvik, R., & Verdier, T. Political Foundations of the Resource Curse. *Journal of Development Economics*, 79(2), 447-468, 2006.
 24. Kolstad, I., & Wiig, A. Is Transparency the Key to Reducing Corruption in Resource Rich Countries?. *World Development*, 37(3), 521-532, 2009.
 25. North, D. C., Wallis, J. J., Webb, S. B., & Weingast, B. R. (Eds.). *In the Shadow of Violence: Politics, Economics, and the Problems of Development*. Cambridge University Press, 2013.
 26. Lane, P. R., & Tornell, A. Power, Growth, and the Voracity Effect. *Journal of Economic Growth*, 1(2), 213-241, 1996.
 27. Torvik, R. Natural Resources, Rent Seeking and Welfare. *Journal of Development Economics*, 67(2), 455-470, 2002.
 28. Auty, R. M. How Natural Resources Affect Economic Development. *Development Policy Review*, 18(4), 347-364, 2000.
 29. Oulalou, F., & Jaidi, L. Fiscal Resources and Budget Financing in the Countries of the Maghreb (Algeria, Morocco, Tunisia, Libya and Mauritania). In: Beblawi H., & Luciani G. *The Rentier State*, Croom Helm, London New York, 172-193, 1987.
 30. Ayubi, N. Etatism Versus Privatization: The Changing Economic Role of the State in Nine Arab Countries. In

42. Ragin, Charles. Fuzzy- Set Social Science. University of Chicago Press, 2000. http://www.southampton.ac.uk/conference/dec_08_conf/Papers/SambitBhattacharyya.pdf (letzter Abruf: 07.10. 2011).
43. Sai, Ali. Fuzzy Epistemology and its Methodological Implications for Social Science. Iranian Social Studies, Third Year, No. 4 (8), Winter 2018.
40. Freedom House, 2021: <https://freedomhouse.org>.
41. Fragile states index, 2021: <https://fragilestatesindex.org/analytics/>.